**امـام و جـوانـان، گذشته، حـال و آينـده**

**طاهره كشوادى**

**((خـدا رحمت كند بنده اى را كه بـداند از كجا آمده و در كجاست و به كجا مى رود؟))امام على(ع)**

آيا براى انسانى كه در طـول عمر خـويـش در مسير تحقق ايـن حديث نورانى تلاش و پـويـش نمايد، ديگر جاى جهل و ترديد در ((حال)) و اضطراب و اندوه براى ((آينده)) مـى ماند؟ آيا براى انسانى كه بر مبناى جهان بينى متعالى اسلامى مى فهمد گـوهر انتخاب شده هستـى از سوى خداى حكيم است و براى مدتى در ايـن دني، امانتدار ((گنج)) استعدادهاى خويـش و نعمتهاى غير قابل شمارش الهى شده و بر اساس عدالت طبق آنچه كه خـود در دنيـا آزادانه انتخـاب و عمل كــرده است، به محضـر الهى خـواهـد رفت، ديگـر جاى تشـويـش و نگـرانـى مى ماند؟ يا آن كـس كه شتابان به سـوى انجام اعمال نيك مى رود تا بـا زاد و تـوشه در رضـوان الهى كنـار اوليـا قـرار گيرد؟

در راستاى هميـن حديث نـورانى آنجا كه امام فرمـود: و بداند در كجا است ... وظيفه همه ما است كه بـدانيـم در چه جهانـى زندگـى مـى كنيـم; چه جهان طبيعت و ماده و چه جـامعه انسـانـى و اوضـاع تـاريخـى، سياسـى و اجتمـاعى. كسب ايـن آگـاهيها به روش صحيح و واقع بينانه ـ بويژه از طريق علماى متعهد و افراد آگاه و متديـن ـ براى انسان موجب بصيرت، آرامـش، رشد و تعهد مى شـود. به هميـن جهت بخشـى از ايـن مطـالعات و كسب آگـاهيه، به شنـاخت يكـى از عظيـم ترين و شگفتآورتريـن پديده هاى زمان م، يعنى انقلاب اسلامـى ايران منعطف مى گردد.

مطالعه اوضاع دوران قبل از انقلاب و حـوادث و سير انقلاب در طـول بيست سال اخير يكـى از رسالتها است. بـى ترديد جـوان امروز بايد بـدانـد بر سر چه سفره گرانمايه اى نشسته است. اگر او ارزش ايـن ((مائده الهى)) را نداند و آگاه نباشد ايـن مائده آسمانى چگونه و بـا تحمل چه رنجها و سختيها و مبـارزات و بـــــا گذار از چه ورطه هاى هـولناك و تـوطئه هاى خطرناك داخلى و خارجى به دست آمده است، آن را راحت از دست خـواهد داد.

با تـوجه به تحول عميقى كه در ملت ايران بخصوص جوانان به واسطه نفـس قدسى و گرم امام به وجود آمد و نقـش عظيـم ايشان در هدايت انقلاب كبير اسلامى كه از بزرگترين ثمرات آن، احياى ديـن در جهان امـروز است، بـازنگـرى رهنمـودهـا و استعانت از سيـره آن ((روح الهى)) ضرورتـى همگانى مى باشد. از اين رو در ايـن مقاله سعى شده است رابطه ((امام خمينـى و نسل جـوان)) در رهنمـوده، هشداره، اظهار علاقه و ارادتهاى ايشـان بـررسـى شـود.

ايـن سخنان و پيامها در طـول دوران 25 ساله انقلاب از حـدود سال 42 تا سال 67 بـر دل تاريخ نقـش بسته است. دورانـى كه اوج تسلط جابرانه و سياه استعمار بخصـوص دولت امريكا و استيلاى فرهنگـى ـ نظامـى رژيـم پهلـوى در ايران بـود. دورانى كه بيـش از هر زمان ديگر شاه و اطرافيانـش به تاراج سـرمايه هاى مادى و معنـوى ايـن كشـور مشغول بـودند. در هميـن زمان انقلاب اسلامـى به رهبرى امام خمينـى رويـش و جـوشـش مـى كنـد و بعد از پيروزى در بهمـن 57 با انبـوهـى از مشكلات، تـوطئه ها و محاصره اقتصادى و نظامـى روبه رو مى شـود. دورانى كه جـوانان و مراد آنها ـ امام خمينى ـ با تكيه بـر معارف عميق اسلامـى وعده هاى الهى را يكـى پـس از ديگرى محقق مـى سازنـد و حكـومت اسلامـى را به رغم مخالفت و دشمنـى قـدرتهاى استكبـارى در يكـى از مهمتـريـن منـاطق جهان بـر پـا مـى كننـد.

**امـام، جـوانـان، و مبـارزه بـا استعمـار و طـاغوت**

بررسـى سخنرانيها و پيامهاى دهه چهل و نيمه اول دهه پنجاه امام به وضـوح نشان مـى دهـد ايشـان بـا جـديت و پشتكار چهره ظلمت زده استعمار و رژيـم را افشا مـى كند. ايشان در بيانات فراوانـى سعى مـى كند هيمنه سهمگين استبـداد را در ايـران بشكنـد. از نخستيـن سخنرانيهاى خـود در سال 42 و 43 پيامبرگـونه(1) نوك پيكان حمله را متـوجه سر اژدهاى استعمار مى كند و بى محابا در دورانى كه ترس و حيرت و سكـوت همه جا را فرا گرفته است، امريكا را عامل اصلـى بـدبختـى و فساد، و پشتيبـان مهم رژيـم شاه معرفـى مـى نمايـد و نقشه هاى شـوم آنان را براى تباهى ((نسل و حرث))(2) ايران، برملا مـى سازد و شجاعانه راههاى مبارزه را در پيـش پاى ملت و جـوانان انقلابى باز مى كند.

در ايـن خصـوص به بخشـى از سخنـان امـام تـوجه مـى نمـاييم:

((نقشه ايـن بود كه[ جوانان] يا در خدمت دولتهاى اجانب باشند و اخيرا خصـوصا در خدمت آمريكا و يا يك افرادى باشند كه بـى تفاوت باشند. ايـن مراكزى كه براى عيـش و عشرت جـوانها تهيه كردنـد و ايـن مغازه هاى زيادى كه براى فروش عروسكها و فرآورده هاى خارجـى كه به وجـود آوردنـد و ايـن دكانهاى مشروب فروشـى، اينها به يك طبع خـودش واقع نشـده[ است]. اينها روى يك بـرنـامه اى بــود كه آنقدرى كه مى توانند در دانشگاهها جوانها را از بيـن ببرند و به خط آنها بكنند. آنقدرى كه در آنجا نمـى شـود، يعنـى مراكز فحش، بى تفاوتشان كنند و راجع به كشـور خـودشان بـى تفاوت باشنـد. هـر كارى مـى خـواهند بكنند، (شاه و آمريكا) بكننـد، آنها[ جـوانان] كارى نداشته باشند)).(3) و:

((از زمان رضاشاه اين نقشه ها بـود كه بايد ايـن ملت را عقب نگه داشت. بايـد ايـن ملت ما را از ديانتـش منفصل كـرد ... از زمان رضاشاه ايـن مطلب پيـش آمد كه اسلام را و خدمتگزاران اسلام را هر دو را كـوبيد)).(4) و با اشاره به نابـودى ذخاير مادى زيرزمينى مثل مـراتع، نفت و ... و ذخايـر روى زمينـى كه جـوانان هستنـد، مى فرمايد: ((نمـى گذارند اينها تحصيل كنند. رشد فكرى براى اينها نمى گذارند ... نمى گذارند قوه اعتراض در اينها پيدا شـود ... كه مقابل اينها بايستند و نگذارند اينها[ رژيـم شاه] اينقدر چپاول كنند)).

حضرت امام از كيد بزرگ استعمار ياد مـى كنند و براى جـوانان نيز رهنمـودهايـى دارنـد كه آنها را از غلطيدن در ايـن گرداب عظيـم هلاكتآور حفظ نمايد. ايشان همـواره مكتب اسلام و حكـومت اسلامى را نجات دهنده مـردم مـى دانستنـد و از جـوانان نيز مـى خـواستنـد با مطـالعه و شناخت اسلام و تـاريخ صـدر اسلام و شناخت حكـومت امـام علـى(ع)، تهذيب نفـس و فـداكـارى، اتحـاد و هشيـارى، التزام به احكام اسلام، افشاى جنايات شاه و اعتـراض به آنه، بيـدار كـردن مردم، پـرهيز از اختلاف و از اجتناب آراى شخصـى در تفسير قـرآن، تبـرى از قشرهاى غير اسلامـى و جـديت در تحصيل علـم(5)، خـود را بـراى مبارزه مكتبـى و درازمـدت با امـريكا و رژيـم مستبـد شاه تجهيز نمايند:

((بايد تـوجه داشته باشيـد تا روزى كه ملت اسلامـى پاىبنـد ايـن مكتبهاى استعمارى مـى باشـد يا قـوانيـن الهى را بـا آن مقـايسه مى كند و در كنار هـم قرار مى دهد، روى آسايش و آزادى را نخواهند ديد و ايـن مكتبهايى كه از چپ و راست به ملت اسلام عرضه مى شـود، فقط براى گمراهـى و انحراف آنان است و مـى خـواهنـد مسلمانان را بـراى هميشه خـوار و ذليل و عقب مانـده و اسيـر نگه دارنـد و از تعاليم آزادىبخـش قـرآن كـريـم دور سازنـد.))(6) حضـرت امام با صـراحت بيان مـى فـرمايـد: پاىبنـدى به مكتبهاى استعمارى و حتـى مقايسه اسلام بـا ايـن مكتبها و در كنار هـم قـرار دادن آنها چه ذلت و خـوارى بزرگـى را به همـراه مىآورد.

ايـن كار باعث مى شـود ملتها روى آسايـش و آزادى را نبينند. عدم پاىبندى به اسلام و دورى از تعاليـم قرآن، ذلتآفريـن و اسارتآور است، حتـى اگر بخـواهند اسلام را كنار آنها قـرار دهنـد، گرفتار التقاط مى شوند. پـس راه نجات و آزادى واقعى انسانها در تمسك به اسلام نـاب و بـى تـوجهى به مكـاتب چپ و راست و گـرايشهاى فكــرى برگرفته از ايـن مكاتب است; راهى كه قرآن و امام و شهدا در پيش پاى مسلمانان باز كردند.

**امام، جوانان و انقلاب**

رژيـم شاه همچنـان به ظلـم و چپـاول خـود ادامه مـى داد. شـاه و خانـدان او با نهايت سـرسپـردگـى در مقابل امـريكا و اسـرائيل، خزانه هاى ملت را به جيب گشاد بيگانگان سـرازير كرده و هر فرياد آزاديخـواهانه را با شدت سركوب مى نمودند و با ايجاد مراكز فساد مى خواستند جـوانان را به اعتياد و فحشا و ميگسارى و قمار يا به ولگردى و سرگرم شـدن به پـوچگرايـى و هيپـى گرى در وادى وانفساى غفلت و هرزگى به برهـوت بدبختـى بغلطانند و هر كه را نيز ياراى مبارزه باشـد، به شكنجه گاهها و تبعيـدگاهها فـرستاده، او را در انزوا قرار دهنـد. ايـن سياست در داخل ايران ادامه داشت و امام نيز از تبعيـدگاه خـود (نجف اشرف) با نامه ها و پيامها با افشاى نقشه و بـرنامه هاى شاه و امـريكا و آگاه كـردن مـردم و جـوانان داخل و خارج كشـور، بذر انقلاب را در سراسـر ايـران مـى افشانـد. امام بـا تكيه بـر اسلام رهايـى بخـش ـ نقطه وحـدت تمام نژادها و اقـوام كشـور ـ آنچنان امـواج خروشانـى را عليه طاغوت به وجـود آورد كه زنجيـرهاى 2500 ساله پـاره شـد و حكـومت اسلامـى ـ هـدف مقبـول امت و امـام ـ در ايـران بـرقـرار گـرديد.

هنر بزرگ امام اين بـود كه در جهانـى كه روشنفكران آن، ديـن را افيون ملتها و جدايى ديـن از سياست را لازمه نهضت مى دانستند، با توحيد كلمه و كلمه تـوحيد و با به ميدان آوردن جـوانانى عاشق و مـومـن، انقلابـى عظيـم به وجـود آورد كه آثار آن تا قرنها باقى خـواهـد مـانـد و مشعلـدار مبـارزات ملل مسلمـان خـواهـد بـود.

امام با رهنمودهاى خـويـش، شور انقلاب را در دل جـوانان ايجاد و در هـر مـرحله آنـان را هـدايت مـى كـرد:

((جـوانان ايـران و زنان و مـردان كه در زمان طاغوت بـا تـربيت طاغوتى بار آمده بـودند، هرگز نتوانستند با قدرت طاغوتى مقابله كنند، ولى آنگاه كه به دست تـواناى حق جل و علا به انسان انقلابى دور از علايق شيطانى متحول شدند، آن قدرت عظيـم را سركوب كردند. دستهاى جنايتكارى كه جـوانان عزيز را در رژيـم سـابق به مـراكز فساد كشاند و از انسانهاى آزاد عروسكهاى مصرفـى تراشيد، انگيزه و نقشه شان ايـن بـود كه هر خيانتى كه در آن كشور واقع مى شـود و هرچه به سـر ملت و ذخاير ارزنـده آن مـىآيـد و هـرچه زنجيـرهاى استعمار به دست و پاى مردم محكمتـر مـى شـود، در مقابل بـى تفاوت بـاشنـد و يـا به حمـايت همـان رويه بـرخيزند)).(7)

و:

[))جـوانان] بـداننـد كه تـوطئه ها در كـار است كه نگذارنـد شما جـوانها به رشد انسانى خـودتان برسيد و ايـن كشور، كشور آزاد و مستقل باشـد. آنهايـى كه چپاول ايـن كشـور مـى كردند، باز مشغول توطئه اند كه در ايـن كشور آرامـش برقرار نشود تا اصلاح نشود ... از ايـن جهت ... همه جـوانهاى محتـرم و عزيز بـا بيـدارى تـوجه داشته باشند كه اينهايى كه در بيـن جمعيتها مىآيند و مى خـواهند با اظهار اسلاميت، با اظهار اينكه ما براى كشـور دلسـوز هستيـم، مانع بشـونـد از اينكه مـردم كار بكننـد ... اينها دوستـان شما نيستند. اينها همانهايى هستند كه مى خـواهند نگذارند مملكت شم، كشور شم، مستقل بشـود ... اعراض كنيد از ايشان ... از ايـن به بعد هـم مـن اميـدوارم كه با حفظ خودتان و حفظ ايمان خـودتان و تـوجه به خـدا ايـن راه را تـا آخـر بـرسـانيد)). (8)

**امام، جوانان و جنگ**

يكـى از توطئه هاى گسترده اى كه عليه انقلاب اسلامى تـوسط امريكا و ايادى او در منطقه به راه افتاد، جنگ تحميلى بـود. رژيـم مغرور عراق به تحـريك امريكا به مرزهاى ايران حمله كرد، ولـى جـوانان مـومـن و سلحشـور با مقاومت دليرانه و مثال زدنى خـود بخصـوص در خرمشهر، دشمـن را زمينگير كرده و در طـول 8 سال دفاع مقـدس، با عمليـاتهاى مختلف مـوفق شـدنـد دشمنـــى را كه وعده فتح 3 روزه خـوزستان را مـى داد، بدون كسب حتـى يك وجب از خاك ايران منكـوب كنند. از مهمترين عوامل ايـن پيروزى و مقاومت، رابطه عاطفى قوى بيـن امام و جوانان بـود. امام خمينى با صداقت بى بديل، شجاعت و ايمان قوى، تقوا و اخلاص و ساده زيستى خـود الگو و مراد و محبـوب قلب ميليونها جوان ايرانى شده بـود. از مظاهر ايـن عشق و ارادت ديـدارهاى جـوانان رزمنـده در حسينيه جماران است كه چگـونه بـا ديدن مراد خـويـش اشك مـى ريختنـد و عاشقانه در ديدار با محبـوب خود، مجذوب چهره نورانى او مى شدند. امام هـم متقابلا علاقه بسيار عميقى به جـوانان داشتند. وقتـى پيامها و سخنان امام پخـش مى شد آنچنان از استحكام و قـوت و شادابى و روحيه انقلابـى سرشار بـود كه به نظر نمـىآمـد سخـن مـردى در آستانه 90 سالگـى است. اظهار ارادتهاى مخلصانه امام به جـوانان رزمنده و بسيجيان و تقدير از روحيه ايثـار و تعاون و اخلاص و فـداكـارى و شب زنــــده داريها و شهادت طلبيهاى آنان در تمـام دوران دفـاع مقـدس، جبهه هاى جنگ را وعده گاه جـوانان آگاه و متعهدى سـاخته بـود كه بـا دل كنـدن از تمام مظاهـر مـادى و فـريبنـده و دست و پـا گيـر دني، جبهه را معراج دل به سـوى حق و قبله حق پـرستان و شيطان ستيزان قرار داده بودند.

((اينجانب هر وقت با يكـى از چهره ها روبه رو مى شـوم و عشق او را به شهادت در بيان و چهره نورانيش مشاهده مى كنـم، احساس شرمسارى و حقارت مى كنم ... جوانان عزيزم! شما توقع نداشته باشيد كه مـن بتوانـم از عهده ثناى شما و شكر عمل شما برآيم. شما را همان بس كه محبـوب خداى تعالى هستيد و خداى شما فرمـوده كه شما را چـون سدى محكـم و بنيانى مرصـوص در مقابل دشمنان خدا و براى رضاى او ايستاده ايد، دوست مـى دارم و اين است جزاى شما و ايـن است عاقبت عمل شما.))(9)

و:

((من وقتى كه اين طور احساسات را از جوانهاى وطـن مى بينم و اين طـور مهيا بـودن از بـراى شهادت، مهيا بـودن از بـراى دفـاع از اسلام، غرور مى گيرد مرا كه همچو جـوانهايى داريـم.))(10) ((ايـن تحـولى كه در جـوانهاى م، در انسانه، آنهايى كه متعهد هستند، پيدا شده است، اهميتـش بيشتر از آن تحولى است كه در مملكت پيدا شده است. اين بود كه با همت شما جوانان، همه قشرها ... ايـن سد بـاطل ر، سـد شيطانـى را شكستيـد و شيطانها را از حـريـم اسلام بيرون كرديد)).(11)

**امـام، جـوانـان و علـم و فـرهنگ و تربيت**

از مهمتـريـن عوامل انحطاط ملته، وابستگى علمـى و فـرهنگـى به بيگانگان و دشمنان است. رژيـم وابسته شـاه در انجـام مإمـوريت خـود بـراى نابـودى ذخاير مادى و معنـوى ملت ايران، با تبليغات فراگير و استفاده از رسانه هاى گوناگـون سعى در استحاله فرهنگـى مـردم داشت. شـدت تبليغات به حـدى بـود كه اقشـارى از مــــردم افتخارشان در استفاده از لغات خارجـى در صحبتهاى روزمـره بـود.

گروهـى ديگر بـراى معالجه ساده تـريـن نـوع بيمارى به خارج سفـر مـى كـردنـد. دولت بـراى ايجاد صنايع از متخصصان خارجـى استفاده مى كرد. آنچه كه حتى به عمد نفى و تحقير مى شد، هـوش و استعداد و فرهنگ خودى، منابع عظيـم مردمى، تاريخ سرشار از حماسه و معنويت و اسلاميت ايران بـود. امام شديـدا با ايـن برنامه طرح ريزى شـده مقابله مى كرد. اصـولا امام در مسايل علمـى و فرهنگـى بشدت معتقد به استقلال، اتكـاى به نفـس و عدم وابستگـى به خـارج بــود و در سخنرانيها و پيامهاى خـود بسيار روى ايـن مسإله تكيه مى نمـود:

((بى شك بالاترين و والاتريـن عنصرى كه در موجوديت هر جامعه دخالت اساسـى دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساس فرهنگ هر جامعه هـويت و مـوجـوديت آن جامعه را تشكيل مـى دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهاى اقتصادى، سياسى، صنعتى و نظامى قدرتمند و قـوى باشـد، ولـى پوچ و پـوك و ميان تهى است.))(12) تإكيـد امام بر استقلال، به حـدى بـود كه محاصره اقتصادى ايران تـوسط امريكا را يك پيروزى بـراى ملت ايران دانست، تا به ايـن تـرتيب جـوانان و متخصصـان داخلـى ابتكـارات و اختـراعات خـود را بـروز بـدهنـد.

ايشان همـواره تإكيد مى كرد مردم ايران مـى تـوانند داراى صنايع پيشـرفته باشنـد، به شـرط آنكه بـا ايمان و اعتماد به نفـس تلاش كنند.

در مـورد مسايل تربيتى هـم با تيزبينى خاص خـود، پايه هاى اوليه تربيت را خانـواده و دامان مادر و پدر مى دانست و تإكيد مـى كرد محيط و وضع پـرورش نـوجـوانـان محيطـى اسلامـى و صحيح بـاشـــد:

((از ايـن رو است كه نقش خانواده و بخصوص مادر در نونهالان و پدر در نـوجـوانان بسيار حساس است و اگر فرزندان در دامـن مادران و حمايت پدران متعهد به طـور شايسته و با آموزش صحيح تربيت شده و به مـدارس فرستاده شـونـد، كار معلمان نيز آسانتر خـواهد بـود. اساسا تربيت از دامان پاك مادر و جـوار پدر، شروع مـى شـود و با تربيت اسلامى و صحيح آنان استقلال و آزادى و تعهد به مصالح كشـور پايه ريزى مى شود. ))(13)

((اكنـون بر معلمان متعهد و مسـوول دبستانى و دبيرستانى است تا با كوشـش خود جـوانانى را تحويل دانشگاهها دهند كه با آگاهى از انحرافات گذشته دانشگاه، بر فرهنگ غنى و مستقل اسلامـى ـ ايرانى تكيه كننـد و بر اساتيد متعهد است ... جـوانانـى متعهد نسبت به مصالح كشـور و آگاه به اهـداف اسلام تحـويل جامعه دهنـد. ))(14)

((و اما در دانشگاه نقشه آن است كه جـوانان را از فـرهنگ و ادب و ارزشهاى خـودى منحرف كننـد ... و دولتمردان را از بيـن اينان انتخاب و بر سرنـوشت كشـورها حكـومت دهند، تا به دست آنها هرچه مـى خـواهند انجام دهند. اينان كشـور را به غارت زدگى و غربزدگـى بكشاننـد و قشـر روحانـى بـا انزوا و منفـوريت و شكست قادر بـر جلوگيرى نباشد و اين بهترين راه است براى عقب نگهداشتـن و غارت كردن كشورهاى تحت سلطه ...))

((... بـر همه مـا است به متصـديـان كمك كنيـم و بـــراى هميشه نگذاريـم دانشگاهها به انحراف كشيـده شـود و هر جا انحرافـى به چشـم خورد، با اقدام سريع به رفع آن كوشيم و ايـن امر حياتى در مرحله اول با دست پـرتـوان خـود جـوانان دانشگاهها و دانشسراها انجـام گيـرد كه نجـات دانشگـاه از انحـراف نجـات كشــور و ملت است.))(15)

**امام، جوانان و مسوولان**

در زمينه رشد و تعالـى جوانان، امام خمينى هـم به خـود جـوانان رهنمود ارائه كرده اند و هـم به مسـوولان. رهنمودهاى امام به نسل جـوان در ادامه مقاله خواهد آمد، ولى آنچه در ايـن قسمت مد نظر است، خطابهاى امام به مسـوولان حكـومت اسلامـى در باره نسل جـوان است كه جـوانان را تا مرز رسيدن به بهتريـن ارزشها ارتقا دهند:

((اينك به تمام متصديان امور و دست اندركاران كشور هشدار مى دهـم كه قدر ايـن جـوانان حزب اللهى را بـدانيد و از آنان قـدردانـى كنيـد و آنـان را تشـويق نمـاييـد و در آغوش محبت خـــــود حفظ كنيد.))(16) ((جـوانها را تربيت كنيد به اينكه مستقيـم باشنـد، خداخـواه باشند.))(17) ((از فرهنگيان و متصديان تعليـم و تربيت ... مـى خـواهـم كه به مإمـوريت بزرگـى كه به آنان سپرده شده و مسـووليت عظيمى كه به عهده گرفته اند تـوجه نمايند كه با انحراف فرهنگ، كشور به انحراف كشيده مـى شـود و نـوباوگان و جـوانان كه اميد ملت اسلام هستند، اماناتـى بـس بزرگ و شريفنـد كه خيانت در آن، خيانت به اسلام و كشور است و ايـن نوباوگان و جـوانان كه در آتيه، سرنـوشت كشـور به دست آنان است و بايد تربيت صحيح اسلامـى در جميع مـدارس به طـور جـدى اجرا شود، تا كشـور از آسيب مصـون گردد.))(18)

**و يكى از مهمترين سفارشات امام:**

((مـن به همه مسوولين و دست اندركاران سفارش مى كنم كه به هر شكل ممكـن وسايل ارتقإ اخلاقـى و اعتقادى و علمى و هنرى جـوانان را فـراهـم سازيـد و آنان را تا مـرز رسيـدن به بهتـريـن ارزشها و نـوآوريها همراهـى كنيـد و روح استقلال و خـودكفايـى را در آنان زنده نگه داريد.))(19)

**امام، جوانان و معيارها**

مـوقعيت خاص جـوانان چه از نظر فردى و چه از نظر اجتماعى ايجاب مى كند امام با علاقه و دلسـوزى، رهنمـودهاى فراوانى داشته باشد. ايـن رهنمـودها از آغاز نهضت 15 خـرداد كه سرآغاز انقلاب اسلامـى است، در زمينه هاى مختلف ايراد شـده است. به عنـوان مثال زمانـى كه رژيـم شاه با نيـرنگ مـى خـواست با تعطيلـى كسبه در روز جمعه زمينه فساد بيشتر را در ميان جـوانان فراهـم كند، امام از مردم مـى خـواهـد جلسات دينـى را در روزهاى جمعه بـرگزار نماينـد، تا جـوانان از جذب به مراكز فساد در امان بماننـد، و همچنيـن نقشه رژيـم شاه براى تشكيل سپاه ديـن را با درخواست از جـوانان براى اظهار تنفر از ايـن عمل و گرم نگه داشتـن مساجد و محافل دينـى، برملا نمود.

آگـاه نمـودن اقشـار مختلف مـردم در تمـام دوره هاى انقلاب، كـار پيـوسته اى است كه امام، آن را انجام مى داد، زيرا ايشان مردم را صاحبان اصلـى انقلاب مـى دانست. چـرا كه وقتـى مـردم از جنايات و خيانتهاى شاه و استعمار، و حقـوق از دست رفته خـود مطلع شـوند، مسلما با تمام وجـود از رژيـم منزجر شـده و بـراى ايجاد حكـومت اسلامى قيام مى كنند.

از ايـن رو امام عنايت خاصى براى آگاه كردن جـوانان كه هدف عمده تبليغات و توطئه هاى امريكا و رژيـم بـودند، داشت. از ديد امام، دشمنان ملت مـى خـواستنـد با ايجـاد فسـاد و تبـاهـى نسل فعال و انديشه گر را يا از ميدان به در كنند، يا به بـى تفاوتى بكشانند. امام بـا هشـدارهاى خـود، معيارهاى انتخـاب راه درست و زنـدگـى حق مدارانه را ارائه مى فرمود.

حضـرت امام با شكـرگزارى به درگاه خـدا و تقـديـر و تقـديـس از جـوانانـى كه با تحـول الهى با نجات از مراكز فساد، به جانبازى در راه خـدا و ديـن پـرداخته بـودنـد،

مى فرمـود: ((شما برادرها با قدرت ايمانى و با قدرت اسلامـى ايـن پيروزيها را به دست آورديد ... مـن در محضر خداى تبارك و تعالى به ايـن پيروزيهاى شما كه پيروزيهايى است با تعهد اسلامـى، براى اسلام است، مـن افتخار مى كنم. مباهات مى كنـم به درگاه خدا كه در يك همچـو مقطع از زمـانـى واقع شـدم كه جـوانـان مـا ايـن طـور هستنـد.))(20) ((اين مسإله مهم است ... ايـن جـوانها را خـداى تبارك و تعالى آن طور در ظرف يك مدت بسيار كـم متحول كرد به يك مقامى ...

كه غيـر از خـدا اصلا هيچـى نخـواهنـد. شهادت را ايـن طـور طالب باشنـد.))(21) بـا تعمق در ژرفاى انـديشه امام و معيارهايـى كه ايشان فرا راه انديشه ما قرار مى دهد، مى تـوان چهره جـوان نمونه و الگو را شناخت. ايـن جوان نمونه، جوان آگاه، مستقل، خودباور، خـداخـواه، ايثـارگـر، شجاع، مبـارز، مقاوم و اهل علـم و تقـوا مى باشد; نه جـوانى كه اهل عيـش و عشرت و غفلت و بـى تفاوتى است، كه امام در مورد آنان مى فرمايد:

((شما اگر دقت كنيد در حال جـوانها و طبقات جامعه مـى بينيـد كه آنهايـى كه درعيش و عشرت مـى گذرانند، حقيقتا عيـش و عشرت نيست. بـدنها افسرده، روحها پژمرده و كسالت سـر تا پاى آنها را گرفته است. اگر دو ساعت عشرت مـى كنند، بيست و دو ساعت در ناراحتـى آن هستند و آنهايـى كه اهل خدا هستند، تـوجه به خـدا دارنـد، ورزش جسمى مـى كنند و ورزش روحـى. آنها در تمام مدت اشخاصـى هستند كه پژمردگى در آنها نيست، افسردگـى در آنها نيست و ايـن يك نعمتـى است از خـداى تبارك و تعالـى كه خـداوند نصيب همه بكنـد.))(22)

**امام، جوانان و آينده**

با تـوجه به تيزبينى و دورنگرى امام، در بيانات نـورانى ايشان، سخنان بسيارى را در مورد آينده جوانان و جـوانان آينده مى تـوان يافت. از مهمتـريـن مسايلـى كه ايشان به جـوانان تذكر مـى دهـد، تهذيب نفس است. سـن جوانى بهترين دوران زندگى است كه مى توان به پالايش روح پرداخت. كسانى كه با وعده هاى شيطانى ايـن امر مهم را براى پايان عمر قرار مـى دهند، در واقع ريشه هاى رذايل اخلاقـى را به مرور زمان در خـود تثبيت و تقـويت و در مقابل، قـدرت مجاهده با نفس را ضعيف مى كنند.

مـولـوى، آن عارف نامى در شعرى به هميـن واقعيت اشاره مى كند كه خاركنى بوته هاى خارى بر سر راهـش بـود و هر روز وعده مى داد روز ديگـر آن را از ريشه بكنـد و انجام ايـن وعده را مرتب به تعويق مى انداخت، تا خاربـن بلند و قـوى شد، ولـى خاركـن رو به پيرى و ضعف رفت و قـدرت كنـدن بـوته خـار رو به تحليل.

از ايـن رو امـام تـوصيه هـاى فـراوانـى در ايـن زمينه دارنـــد.

بخصوص اگر شخصى جهت كسب علـم حركت كند، اهميت ايـن امر براى او دو چندان مى شـود. در غير ايـن صورت علـم براى او ((حجاب اكبر)) است:

((هر قدمى كه براى تعليم و تعلـم برمى داريد، همراه آن قدم، قدم باشـد بـراى مهار كـردن نفستان كه از ايـن سـركشـى اى كه دارد و آزادىاى كه براى خـودش فرض مـى كند، كه هيچ مهارى در كار نباشد; خودتان مهار كنيد نفـس خودتان را. اگر يك همچو تعليـم و تربيتى در يك كشورى باشد، ايـن كشور مى تواند مستقل باشد مى تـواند آزاد باشد، اقتصادش را مى تواند تإميـن كند، مى تواند فرهنگش را درست كند و مى تـواند همه چيزش را اصلاح كند)).(23) ((اگر غفلت بكنيد، هر قدمـى كه در علـم برداريد، از انسانيت دور شـديد. هـى دورتر ... هر چه درس بخوانيـد و بخـوانيم، اگر چنانچه به راه مستقيـم نباشيـم ... هـر چه معلـومات زيادتـر بشـود، از انسانيت، انسان دورتر مى شـود.))(24) ((جهاد اكبر، جهادى است كه با نفـس طاغوتى خودش انسان انجام مى دهد. شما جـوانها از حالا بايد شروع كنيد به اين جهاد.

نگذاريد كه قواى جوانى از دستتان برود. هر چه قـواى جـوانـى از دست بـرود، ريشه هاى اخلاق فاسـد در انسان زيادتر مـى شـود و جهاد مشكلتـر.))(25) حضـرت امام بـا درك مـوقعيت خاص سنـى و اجتماعى جـوانان، كه هم فرصت مناسبـى براى رشد و تعالـى آنها و هـم هدف اصلـى دشمنـان اسلام و ملت مـى بـاشـد مـى فـرمـايـد:

((جـوانان متعهد ... سرمايه هاى اميدبخـش اسلام و كشـورهاى اسلامى هستنـد. اينـاننـد كه بـا تعهد و سلاح و استقـامت و پـايـــدارى مى تـوانند كشتـى نجات امت اسلامـى و كشـورهاى خـود باشند و ايـن عزيزانند كه استقلال، آزادى و ترقـى و تعالى ملتها مرهـون زحمات آنان است و اينانند كه هدف اصلـى استعمار و استثمارگران جهانند و هر قطبـى در صـدد صيد آنان است و با صيد آنان است كه ملتها و كشـورهـا به تبـاهـى و استضعاف كشيـده مـى شـود.))(26)

((تـوجه كنيد كه دنيا را به چيزى نگيـريـد. تـوجه كنيـد كه همه رفتنـى هستيم و بايد به خـداى تبارك و تعالـى نزديك بشـويـم تا آنجا ما را راه بدهند. ))(27)

((امورى كه مربوط به ايـن عالـم است گذرا است. زودگذر هم هست و پيروزيها و شكستها و خوشيها و ناخوشيهاى ايـن دنيا بيـش از چند روزى و مقـدار انـدكـى پـايـدار نيست. آنچه كه بـراى مـن و شما مـى مانـد، آن چيزى است كه در درون خـودتان تحصيل كـرده باشيـد. باور كنيم كه خداى تبارك و تعالـى حاضر است. باور كنيـم كه همه چيز به دست اوست.))(28)

حضرت امام در مـورد قـدرت سازندگـى جـوانان تإكيد خاصـى داشت. ايشان بر خودباورى جـوانان و خـوداتكايـى و ابتكار و تلاش علمـى آنان تإكيد مى ورزيد. ((جـوانهاى ما اثبات كردند كه مـى تـوانند خـودشان عمل بكننـد و شما مطمئن باشيـد كه در درازمـدت شما همه كار مى تـوانيد بكنيد. همان طورى كه با شجاعت ابرقدرتها را خارج كـرديـد، بـا شجاعت در فـرهنگ خـودتـان كار بكنيـد و در كارهاى خودتان، خودتان عمل بكنيـد و اتكإ خـودتان را هـر روز به خارج كـم بكنيـد و يك وقتـى بـرسـد كه هيچ اتكا به خارج، ما نـداشته بـاشيـم و همه چيز را خـودمـان تهيه كنيـم.))(29)

((مـن در اينجا به جـوانان عزيز كشـورمان، به ايـن سـرمايه ها و ذخيره هاى عظيـم الهى و به ايـن گلهاى معطر و نوشكفته جهان اسلام سفارش مى كنم كه قدر و قيمت لحظات شيريـن زندگى خود را بدانيد و خـودتان را براى يك مبارزه علمى و عملى بزرگ تا رسيدن به اهداف عالـى انقلاب اسلامـى آماده كنيـد.))(30) رهنمـود ديگـر ايشان به جـوانان، بهره گيـرى از علمـاى پـاك و متعهد و مبـارز اسلام است:

((نكته ديگـرى كه از بـاب نهايت ارادت و علاقه ام به جـوانان عرض مى كنـم، ايـن است كه در مسير ارزشها و معنويات از وجود روحانيت و علما متعهد اسلام استفاده كنيـد و هيچ گاه و تحت هيچ شـرايطـى خـود را بى نياز از هدايت و همكارى آنان ندانيد. روحانيون مبارز و متعهد به اسلام در طـول تاريخ و در سخت تريـن شرايط همـواره با دلى پر از اميد و قلبى سرشار از عشق و محبت، به تعليـم و تربيت و هـدايت نسلها همت گماشته انـد و هميشه پيشتاز و سپـر بلاى مردم بوده اند.))(31)

حضرت امام خمينـى براى آنكه جـوانان در مسيرى مطمئن حركت كنند و گرفتار برخـى خناسان و منحرفان وابسته نشـونـد، بـر ايمان به خد، تهذيب نفس، تـوكل بر خـد، خـوداتكايـى و اعتماد به نفـس، همراهـى با روحانيت آگاه و متعهد و نيز پرهيز از گرايـش و حركت در مسير ملـى گراها و منافقيـن تإكيد مـى كنند.(32) اميد است با شناخت بيشتر راه امام، پيـونـد روحـى بيشتـرى را با آن فـرزانه دوران داشته باشيم.

**پى نوشت :**

1ـ دقت در سيـره انبيا نشـان مـى دهـد آنـان همـواره در مبـارزه زيربنايـى با مخالفان تـوحيد و حق پرستـى بـوده انـد، و صف مقابل انبيـا همـواره جبهه اى از اشـراف و فـرعونيـان بــــــوده است. انبيا به جـاى مبارزات روبنايـى، به مقـابله با اصل جبهه بـاطل مى پرداختند.   
2ـ بقره، آيه 205.   
3ـ صحيفه نور، ج16، ص118.   
4ـ همان، ج3، ص66.   
5ـ بـا استفـاده از پيامهاى امـام به اتحـاديه انجمنهاى اسلامـى دانشجـويـان خـارج از كشـور در سـالهاى 50 ـ 51.   
6ـ صحيفه نور، ج1، ص185.   
7ـ همان، ج19، ص11.   
8ـ همان، ج11، ص141.   
9ـ همان، ج16، ص99.   
10ـ همان، ج11، ص68.   
11ـ همان، ص175.   
12ـ همان، ج15، ص160 ـ 161.   
13ـ همان.   
14ـ همان.   
15ـ وصيتنـامه سيـاسـى ـ الهى امـام، صفحات 31 و 32.   
16ـ صحيفه نور، ج19، ص104.   
17ـ همان، ص225.   
18ـ همان، ج14، ص143.   
19ـ همان، ج20، ص241 ـ 242.   
20ـ همان، ج16، ص70.   
21ـ همان، ص190.   
22ـ همان، ص61.   
23ـ همان، ج5، ص99 ـ 100.   
24ـ همان.   
25ـ همان، ج7، ص211.   
26ـ همان، ج12، ص162.   
27ـ همان، ج20، ص3 و 4.   
28ـ همان.   
29ـ همان، ج16، ص63.   
30ـ همان، ج20، ص241.   
31ـ همان، ص242 و 243.   
32ـ همان، ج15، ص28.

http://www.aviny.com